



واکاوی مولفه‌های امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا در سمینار یک روزه مرکز بررسی‌های استراتژیک

از شبکه‌های اجتماعی تا بحران آب

سمینار «حکمرانی و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا؛ چالش‌ها و روندهای نوظهور» صبح امروز در تالار حنانه دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران برگزار شد. در این گزارش، به تشریح سه پنل و سخنرانی‌های انجام‌شده در این سمینار پرداخته می‌شود.

در ابتدای سمینار، دکتر سید جلال فیروزآبادی دبیر علمی و رئیس دبیرخانه دائمی کنفرانس امنیتی تهران پس از خوشامدگویی به مهمانان، در خصوص کنفرانس امنیتی تهران و سمینار حکمرانی و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا توضیحاتی را ارائه کرد. به گفته دکتر دهقانی فیروزآبادی این کنفرانس (که سمینارهای مختلفی را در بر دارد)، در روز ۱۸ دی ماه سال جاری با حضور ریاست محترم جمهوری و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در محل اجلاس سران کار خود را به پایان خواهد برد. در ادامه دکتر دهقانی فیروزآبادی به تشریح پنل‌های تخصصی این سمینار و محورهای مورد بحث پرداخت.

گری لوئیس؛ امنیت در گرو حل مسائل زیست‌محیطی

در ادامه گری لوئیس نماینده سازمان ملل در ایران سخنرانی خود را آغاز کرد. محور اصلی سخنان گری لوئیس، مسائل و موضوعات زیست‌محیطی بود. وی تهدید اصلی امروز جامعه جهانی را گرمای کره زمین و افزایش بیش از اندازه گازهای گلخانه‌ای دانست. نماینده سازمان ملل در ایران با اشاره به این موضوع، مسائل زیست‌محیطی همچون تغییرات آب و هوایی و کمبود آب و غذا در ایران را نیز از جمله مسائل بسیار حیاتی ذکر کرد که نیازمند توجه بیش از اندازه دولت و حکومت ایران است. وی با ارجاع به سخنان دکتر کلانتری (رئیس سازمان محیط‌زیست ایران) و عباس عراقچی معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه کشور، بیان داشت که بحران آب در ایران با توجه به آمار و داده‌های سازمان محیط‌زیست بسیار جدی و حیاتی است و همین بحران آب ممکن است در آینده موجب جنگ و نزاع داخلی در کشور ایران شود. لوئیس با نمایش تصاویری از خشک شدن تالاب هامون در سیستان و بلوچستان علت رخ دادن طوفان‌های متعدد شن در ناحیه جنوب شرق ایران را بحران آب در این مناطق عنوان کرد. نماینده سازمان ملل در ایران افزایش آگاهی در مورد تغییرات آب و هوایی، استفاده از فناوری‌های متحد کننده، گسترش همکاری‌های بین‌المللی، فکر کردن در خصوص واژه‌ی امنیت، بهبود بخشیدن توانایی کشور برای مقابله با پدیده عظیم، پیچیده و غیرخطی تغییرات زیست‌محیطی، برنامه‌ریزی برای دهه‌های آینده نه سال‌های آینده و مشاوره و هم‌فکری بین نخبگان و اهالی دانشگاه در کشور را از جمله راه‌حل‌های مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی در کشور اعلام کرد.

دکتر آشنا: حکومت‌های منطقه، مشروعیت خود را از دست داده‌اند

در ادامه دکتر حسام‌الدین آشنا رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری سخنان خود را با اشاره به سخنان گری لوئیس آغاز کرد. وی با اشاره به بحران‌های زیست‌محیطی در ایران، از تشکیل کارگروه ویژه پژوهشی در این مرکز خبر داد. مشاور رئیس‌جمهور با بیان این مطلب که سخنان آقای گری لوئیس نشان‌می‌دهد آینده گوارا و شیرینی در انتظار منطقه ما نخواهد بود اظهار داشت: ما در یک سال و نیم گذشته پژوهش‌هایی را به طور پیچیده و چند لایه دنبال کرده‌ایم که موضوع آن چشم‌انداز منطقه در افق ۱۴۰۴ بوده است.

دکتر آشنا در ادامه با بیان اینکه حکومت‌های این منطقه به طرز بی سابقه‌ای مشروعیت‌های خود را از دست داده‌اند، نقش ویژه‌ای را برای وسایل ارتباط جمعی نوین و رسانه‌های اجتماعی برشمرد و گفت: با گسترش فضای مجازی، تبلیغات یک‌سویه رسانه‌های حکومتی و دولتی کارایی گذشته خود را از دست داده است. استفاده از قدرت مردم بر مردم به‌جای اعمال قدرت حکمرانان بر مردم نتیجه جدی استفاده از شبکه‌های اجتماعی بوده است.

این استاد دانشگاه در ادامه با بیان توجه به بحران‌های زیست‌محیطی و بحران آب در منطقه و بخصوص در کشور اذعان کردند: در مواجهه با بحران‌های زیست‌محیطی و آب، برخی کشورهای منطقه موفق عمل کرده‌اند. میزان موفقیت راهنمایی خوبی برای نشان دادن ژئوپولیتیک جدیدی است که بر اساس برتری مجموعه‌ای از کشورها در منابع آب نسبت به دیگران شکل گرفته است.

به‌زعم مشاور رئیس‌جمهور، بحران آب، پایه‌های تمدن را در جوامعی که با بحران آب مواجه هستند، نابود می‌سازد. افزایش جمعیت و صنعتی شدن کشورهای غرب آسیا فشار زیادی را بر منابع زیست‌محیطی وارد می‌کند و تعادل حیات را به‌صورت گوناگون به هم می‌ریزد. دکتر حسام‌الدین آشنا در ادامه ابراز داشتند که انتظار می‌رود بحران‌های زیست‌محیطی به اولویت‌های جدی نظام‌های سیاسی منطقه پیش برود. این موضوع به همراه بالا گرفتن تنش‌های قومی بین کشورهای منطقه می‌تواند بحران‌های جدی را برای منطقه به وجود بیاورد.

وی با اشاره به این موضوع که حل بحران‌های زیست‌محیطی امری بین‌المللی است ابراز داشتند: در حوزه بحران محیط‌زیست هیچ سیاست ملی وجود ندارد که بتواند کارآمد باشد. مرزها لزوماً نشان‌دهنده مرزهای آب و هوایی نیست. این مقوله نیازمند همکاری‌های بین‌المللی است. وجود چنین بحران‌هایی سرآغاز شکل‌گیری بحران‌های امنیتی همچون قاچاق کالا و انسان و ... در کشورهای حول کشور ایران خواهد بود که نبردهای نیابتی و فعالیت گروه‌هایی مثل داعش سرآغاز این بحران‌ها است.

به عقیده دکتر آشنا کشمکش و دامن زدن به تنش‌ها نه تنها امکان تعامل و گفتگو بین‌المللی و کشورهای منطقه را از بین می‌برد، بلکه امکان مسلح شدن هر چه بیشتر کشورهای منطقه و خرید هر چه بیشتر سلاح (حتی سلاح‌های هسته‌ای) را به کشورهای منطقه می‌دهد. وی با اشاره به این موضوع گفت: اگر کشورهای منطقه‌ای ما به اصلاحات درونی تن ندهند

و انعطاف در برابر مردم را نپذیرند و در خصوص مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست به اصلاح نزنند، امکان بروز شورش‌های خونین داخلی وجود دارد. نمونه بارز این موضوع اتفاقات کشور سوریه است که اگر حاکمیت سوریه در برابر خواسته‌های مردم کشورش واکنش به‌موقع و درست نشان می‌داد، امروز تا این حد تحت فشارهای بین‌المللی نبود و هزینه‌ای این چنین گزاف را متحمل نمی‌شد.

رییس مرکز بررسی‌های استراتژیک عقیده دارد که وقتی در منطقه غرب آسیا یک کشور دچار بحران سیاسی و احتمالاً سقوط می‌شود، بحران تنها معطوف به مرزهای کشور خاص و موردنظر نمی‌شود. بلکه دامن کشورهای دیگر منطقه و همسایه را نیز خواهد گرفت. وی درباره راه‌حل بحران‌های مذکور گفت: راه‌حل بحران‌ها همکاری منطقه‌ای است. پیشنهاد من این است که در این راستا باید از افکار انحصارطلبانه و یک‌جانبه‌گرا دوری کرد و برای برقراری صلح در منطقه باید موافقت و اجماع تمام کشورهای منطقه را به دست آورد. وقتی صحبت از اتخاذ سیاست‌های برد-برد در دنیای امروز است، منظور این است که باید به تمام تکره‌های عقیدتی، مذهبی و فکری احترام گذاشت و به زندگی مسالمت‌آمیز تمام تفکرها در کنار یکدیگر در صلح و آرامش باور داشت.

دکتر آشنا در بخش پایانی سخنان خود با اشاره به موضوع کیفیت حکمرانی کشورها در منطقه اذعان داشتند: در منطقه غرب آسیا، کشورها در خصوص موضوع کیفیت حکمرانی درجه‌بندی و رتبه دارند. ما در مواجهه با این کیفیت دو راه داریم. اول اینکه کشورهای ناکارآمد در عرصه مشروعیت در منطقه که نظام سیاسی‌شان از اعتبار کمتری نزد مردم برخوردار است را ساقط کنیم و در نابودی آن با مردم معترض همراه شویم. راه‌برد دوم این است که کیفیت راه‌برد نظام‌های سیاسی فعلی منطقه را افزایش دهیم. زیرا نمی‌دانیم با تغییر نظام سیاسی یک کشور چه آینده‌ای در انتظار آن کشور است و در آینده چه اتفاقی برای آن کشور و سایر کشورهای همسایه رخ خواهد داد.

دکتر فیروزآبادی؛ امنیت انسانی یعنی حفظ آزادی‌های اساسی

در ادامه و در پنل اول سمینار (که با عنوان امنیت انسانی در منطقه غرب آسیا و با ریاست آقای بهزاد احمدی انجام شد)، دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی استاد دانشگاه علامه طباطبایی به ارائه مقاله خود با عنوان امنیت انسانی و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا پرداخت. وی اظهار داشت که امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا مستلزم امنیت انسانی به معنای حفظ آزادی‌های اساسی و ایمنی انسان‌های ساکن منطقه از تهدیدهای مزمن و دیرینه‌ای چون فقر و گرسنگی، قحطی، بیماری، سرکوب و خشونت سیاسی، آوارگی و برهم خوردن ناگهانی الگوی روزمره زندگی آنان است. امنیت انسانی در قالب امنیت منطقه‌ای نیز مستلزم امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست محیطی، فردی و اجتماعی سیاسی انسان‌های این منطقه است. تأمین این ارزش‌های انسانی نیز مستلزم حکمرانی شایسته در منطقه است؛ زیرا از یک سو حکمرانی شایسته مبنی بر حق اظهار نظر و مشارکت افراد و پاسخگویی دولت؛ نبود خشونت و ثبات سیاسی؛ کیفیت، کارایی و اثربخشی حکومت؛ کیفیت قوانین و ... مهم‌ترین عامل تأمین‌کننده امنیت انسانی است. وی اظهار داشت از سوی دیگر، شواهد و قرائن تاریخی بیانگر این واقعیت است که یکی از مهم‌ترین عوامل ناامنی و تهدیدهای منطقه‌ای در غرب آسیا،

نامنی انسانی ناشی از حکمرانی ناشیست در این منطقه بوده‌است.

اسماعیلی؛ سه ضلع امنیت ملی در جوامع انسانی

علی اسماعیلی اردکانی سخنران دوم پنل امنیت انسانی در منطقه غرب آسیا بود. وی با ارائه مقاله خویش با عنوان حکمرانی خوب، شادکامی و سیاست‌گذاری امنیت ملی در منطقه غرب آسیا از سه ضلع تهدیدات امنیت ملی در جوامع انسانی یاد کرد. تهدید انسانی (دولت‌ها و گروه‌های افراطی)، تهدید سخت‌افزاری (حمله نظامی، سلاح هسته‌ای و ...) و تهدید فیزیکی (در محدوده مرزی و جغرافیایی) سه ضلع تهدیدات امنیت ملی جوامع هستند که راه‌حل عبور از این تهدیدات و بحران‌ها بازنگری در سیاست‌گذاری امنیت ملی (که همانا حکمرانی خوب و شادکامی مردم) در منطقه غرب آسیا است.

در بخش دیگر این پنل، خانم دکتر شهربانو تاجبخش استاد دانشگاه پاریس و محقق موسسه پریو نروژ با استفاده از ارتباط اینترنتی اسکایپ و از دوشنبه پایتخت تاجیکستان، مقاله خود را برای مخاطبان این سمینار ارائه داد. وی با ارائه مقاله امنیت انسانی در غرب آسیا، در خصوص مفاهیم امنیت انسانی و استفاده از آن در روابط و سازمان‌های بین‌المللی و نحوه استفاده ما از این اصطلاح توضیحاتی را ارائه کرد.

دکتر اشتریان؛ ریشه‌های شکل‌گیری داعش

دکتر کیومرث اشتریان عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران سخنران بعدی پنل اول سمینار امنیت بود. وی با اشاره درست و بجا به موضوع فقر، ریشه شکل‌گیری داعش و گروه‌های افراطی را انواع محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی عاطفی - جنسی دانست. به عقیده این عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران فروپاشی پیوندهای اجتماعی چه در داخل و چه در صحنه ارتباطات اجتماعی بین‌المللی خود یک تهدید برای امنیت اجتماعی به شمار می‌آورد. به عقیده دکتر اشتریان حل این مشکلات و سیاست‌های اجتماعی در گرو گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و پیمان‌های امنیتی است.

دکتر پورسعید؛ پارادوکس امنیت انسانی و ملی

دکتر فرزاد پورسعید عضو پژوهشکده مطالعات راهبردی در ارائه بعدی در خصوص پارادوکس امنیت انسانی و امنیت ملی در آسیای غربی و علل و پیامدهای آن سخن گفت. به‌زعم این پژوهشگر علوم سیاسی، تأمین امنیت انسانی در جوامع غرب آسیایی در تضاد و تناقض با امنیت ملی (به معنای کلاسیک آن) قرار می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر در این منطقه، تلاش برای تأمین و حفظ ثبات دولت که غالباً به هیئت حاکمه تقلیل می‌یابد عمدتاً و یا حداقل بعضاً در تضاد با امنیت مردم و یا بخشی از مردم کشورها قرار می‌گیرد و بالعکس. نتیجه این وضعیت متناقض آن است که در عمل امنیت ملی در تضاد با امنیت انسانی و امنیت بین‌المللی قرار می‌گیرد و در نتیجه امنیت هیچ‌گاه مقوله‌ای پایدار نبوده است.

پنل دوم: فرهنگ راهبردی و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا

در پنل دوم این سمینار فرهنگ راهبردی و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا ابتدا دکتر داوود غرایاق زندی سخنان خود را ایراد فرمودند. مهم‌ترین محور این سخنرانی جایگاه دولت در سیاست‌گذاری امنیت ملی بود. دکتر زندی در ارائه خود گفت: به دلیل اینکه هم‌زمان دولت مجری و مرجع امنیت ملی است، با تناقض‌های راهبردی متعددی مواجه می‌شود. چهار تناقض در این میان از همه آشکارتر است: تناقض نمای ساختاری دولت، امنیت داخلی یا امنیت ملی، اقتصاد و امنیت ملی، امنیت ملی یا امنیت بین‌المللی. به‌زعم این استاد دانشگاه، دولت نه‌تنها در شکل ساختاری به انواع شکل دولت اشاره دارد بلکه ویژگی‌های دولت در غرب آسیا و مشکلات و پیچیدگی‌های سیاست‌گذاری امنیت ملی در این منطقه را بازنمایی می‌کند.

دیاکوحسینی؛ منطق امنیت ملی و زوال نظم سیاسی

پژوهشگر ارشد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری سخنران بعدی پنل فرهنگ راهبردی و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا بود. دیاکو حسینی در خصوص منطق امنیت ملی و زوال نظم سیاسی در منطقه ازهم‌گسیخته‌ی غرب آسیا سخنرانی کردند. به‌زعم این پژوهشگر مسائل سیاسی، ثبات استراتژیک در مناطق، پیوند مستقیمی بانظم سیاسی در جوامع داشته است و اکنون که در دوران گذار جهانی که نظم‌های سیاسی به چالش کشیده شده‌اند، ثبات استراتژیک در مناطق جهانی نیز متزلزل‌تر از گذشته شده است. به عقیده این پژوهشگر حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی، عواملی که در سرعت دادن به روند زوال نظم‌های سیاسی در جوامع غرب آسیا نقش بسزایی دارند عبارت‌اند از باز توزیع قدرت جهانی، انتشار قدرت و تغییرات جمعیتی که این موارد می‌توانند موجب بی‌ثباتی استراتژیک گسترده‌تر در این منطقه از جهان و فراسوی آن باشند. به‌زعم دیاکو حسینی رابطه علی و تکوینی میان زوال نظم‌های سیاسی و پیامدهای آن از منطق امنیت ملی، شیوه‌های تهدید شدن آن و پاسخ‌هایی است که حکومت‌های در معرض زوال به این تهدیدات می‌دهند. وی درنهایت استدلال کرد که دستیابی به منطقه قوی‌تری که از افتادن در دام منطق یک منطقه خود نابودگر اجتناب می‌کند و درصدد برپایی یک ثبات استراتژیک پایدار در جایگزینی نظم منطقه‌ای فرسوده است، مستلزم حمایت از نظم‌های سیاسی و متوقف کردن فرآیند زوال آن در جوامع ضعیف و شکننده در غرب آسیا است.

دکتر مصلح‌زاده؛ ۳۳ پلان استراتژیک و ساختار امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا

دکتر مصلح‌زاده، سفیر سابق کشور ایران در اردن سخنران بعدی بودند. وی طی ایراد سخنرانی به تشریح مقاله خویش با عنوان ۳۳ پلان استراتژیک و ساختار امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا مبادرت ورزید. وی بر این باور بود که ساختار امنیت منطقه غرب آسیا دو دوره را پشت سر گذاشته است و اکنون وارد مرحله سوم شده است. دوره اول که سه دهه به طول انجامید دارای یک ساختار امنیتی بود که سوریه اردن در کنار هم بودند و در طرف مقابل پیمان سنتو قرار داشت. در این

دوره سی سال، چهار جنگ به وجود آمد که هر چهار جنگ به سود طرف اسرائیلی-آمریکایی تمام شد که منجر به پایان دوره اول شد. در دوره دوم جایگاه قاهره و عبدالناصر را ایران و رهبر ایران می‌گیرد. انقلاب اسلامی بلوکی را در منطقه به وجود می‌آورد که بلوک شرق و بلوک غرب در برابر آن متحد می‌شوند که نمونه آن را در جنگ تحمیلی می‌بینیم. در دوره سقوط شوروی، ساختار امنیتی منطقه با یک تغییر تکنولوژیک-تمدنی مواجه می‌شود. در کنار این تغییرات آمریکا یک مسترپلن جدید را با خیال راحت برای خاورمیانه طراحی می‌کند تا کشورهای غرب آسیا را دچار بحران تجزیه کند. اما پیشرفت‌های تکنولوژیکی و علمی ایران باعث شگفتی بلوک غرب شد. پیشرفت ایران در عرصه هسته‌ای و موشکی در حدود سال ۲۰۰۵ می‌رفت تا موجبات یک جنگ تمام‌عیار را فراهم کند که البته آن جنگ رخ نداد. به‌جای این طرح، آمریکا چالش هسته‌ای و جنگ‌های سایبری علیه ایران را راه‌اندازی کرد که تا امروز نیز ادامه دارد. اما در دوره سوم که با جنبش بهار عربی از سال ۲۰۱۱ آغاز می‌شود، بلوک جدید آغاز به کار می‌کند که استحکام بالایی ندارد و سردمدار آن گروه اخوان المسلمین مصر است. در واقع اسلام اخوانی در برابر اسلام شیعی و اسلام تکفیری قرار می‌گیرد. در کشاکش مرسی و اردوغان مرسی در این کشاکش حذف می‌شود و پس از آن بلوک خلافت (حکومت داعش) به وجود می‌آید که هیچ‌یک از کشورهای منطقه آن را نمی‌پذیرند. دوره سوم دچار چنان پیچیدگی‌هایی شده است که حتی تئوریسین‌هایی مانند برژینسکی و هانتینگتون نیز نمی‌توانند تئوری و پلنی برای دوره سوم ذکر کنند.

دکتر درودی؛ غیرقابل تفکیک بودن توسعه و امنیت

مسعود درودی پژوهشگر ارشد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در ارائه‌ی موضوع سیاست‌گذاری اجتماعی حمایتی؛ چهارچوبی برای ارتقای امنیت انسانی در کشورهای غرب آسیا، ضمن اشاره به غیرقابل تفکیک بودن توسعه و امنیت از یکدیگر اظهار داشت: هرگونه نقصانی در یکی از ابعاد بر دیگر ابعاد هم تأثیر خواهد گذاشت. وی با استناد به این مهم اذعان داشت: اگر منابع انسانی را عامل اصلی تولید رشد و توسعه بدانیم، این نیرو تنها در پناه تأمین اجتماعی می‌تواند نقشی فعال و پویا در توسعه پایدار بازی کند. وی با اشاره به لزوم سیاست‌گذاری اجتماعی گفت: سیاست‌گذاری اجتماعی را مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌های عمومی می‌شود تعریف کرد که برای ارتقا توسعه اجتماعی از طریق دامنه وسیعی از ابزارهای سیاستی از سوی بازیگران گوناگون فرمول‌بندی شده و به اجرا درمی‌آید، در این مهم در نظر گرفتن ملاحظات قومی، مذهبی، نژادی و غیره اهمیت دارد و توان نظام سیاسی را نشان می‌دهد. وی در ادامه افزود: سیاست‌گذاری اجتماعی حمایتی در قالب برقراری یک نظام تأمین اجتماعی هوشمند می‌تواند باعث ارتقای شاخص‌های امنیت انسانی در کشورهای غرب آسیا شود، همچنین اعمال یک نظام تأمین اجتماعی هوشمند و اجرای کارآمد آن می‌تواند با ایجاد رابطه‌ای مستقیم بین دولت و جامعه، ارزش‌هایی را حلق کند که دستاوردهای مستحکم امنیتی را دربرداشته است.

دانش‌آموخته و استاد دانشگاه شهید بهشتی سخنران بعدی پنل دوم سمینار بود که در خصوص ناامنی هستی‌شناسانه و ناامنی انسانی به‌مثابه ابزار همکاری منطقه‌ای به ایراد سخنرانی پرداخت. وی بر این عقیده بود که ادراکات نامطمئن، امنیت هویت را تهدید می‌کند. هویت افراد به‌وسیله ارتباطات شکل‌گرفته و پایدار می‌ماند. بنابراین کنشگران نیز امنیت

هستی شناسانه خود را از طریق تثبیت روابط با دیگر تأثیرگذاران شکل می‌دهند. هنگامی که کنشگر نسبت به هویت خود احساس تهدید کند، ناگزیر از داشتن واکنشی که اغلب خشونت‌آمیز است، خواهد بود. در نتیجه کشورهای منطقه غرب آسیا باید با بهره‌گیری از فضای تنش آلود و منازعه آمیز (به منظور ایجاد فرصت برای همکاری‌های منطقه‌ای میان کشورهای غیرهمگن و ناهمگرای منطقه خاورمیانه) به اجماع رسیده و به همکاری با یکدیگر اقدام کنند.

دکتر آهوئی؛ واکاوی مفهوم استقلال مطلق در فرهنگ سیاست خارجی ایران

مهدی آهوئی سخنران آخر پنل دوم سمینار حکمرانی و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا بود. وی به دلیل کمبود وقت به ارائه برش‌هایی از مقاله خود با عنوان واکاوی مفهوم استقلال مطلق در فرهنگ سیاست خارجی ایران مبادرت ورزید. این استادیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران ابتدا به تعریفی از معنای فرهنگ سیاست خارجی پرداخت و اذعان داشت که این مفهوم می‌بایست به‌عنوان زیر بخشی از فرهنگ استراتژیک مورد مطالعه قرار بگیرد. به‌زعم وی فرهنگ سیاست خارجی یک پدیده سیستماتیک ساختارمند است که در ذهن و فکر استراتژیک ما نفوذ می‌کند و مفهومی ادامه‌دار است. این مفهوم ساختارمند، مفهومی اینترساجکتیویتی است. به این معنا که تمامی اعضای جامعه به درک مشترکی از تعریف شرایط می‌رسند.

در ادامه وی به یک سیستم دیالکتیک چهار مرحله‌ای برای تعریف هر نوع سیستم فرهنگی اشاره کرد که طی این دیالکتیک چهار مرحله‌ای بوده که فرهنگ استقلال‌طلبی مطلق بین افراد جامعه ایرانی نهادینه شده است. مرحله اول که همان بیرونی سازی یا اکسترنالیزیشن است که طی آن هر موجودی خود را یک محیط بیرونی که با آن تبادل و تعامل دارد، تعریف می‌کند. در اینجا مردم جامعه ایران خود را با سایر ملل مقایسه و تعریف می‌کردند. در مرحله دوم که مرحله آبژکتیویکیشن است، افراد یک جامعه در برخورد با جوامع دیگر و تعریف خود به مصادیق و مثال‌ها روی می‌آورند. در واقع خود را آبژکتیفای می‌کنند و این مثال‌ها بیشتر از دل تاریخ یک ملت یا جامعه استخراج می‌شود. وجه سوم درونی سازی یا اینترنالیزیشن است که بیشتر طی آموزش رسمی حکومت‌ها و دولت‌ها به وجود می‌آید و طی این مرحله تعریف‌های به‌دست‌آمده به همراه مصادیق موجود درونی سازی می‌شوند. در مرحله چهارم افراد جامعه دست به اینتروجکت سازی و اعمال کردن تفکر و نظریه به وجود آمده در تمامی موارد و کیسه‌ای مشابه می‌زنند و به این باور می‌رسند که در تمامی موارد مشابه، پارادایم و فرمول به وجود آمده طی این سه مرحله صدق خواهد کرد و منطبق خواهد بود. مراحل نامبرده شده تبدیل به فرآیند فرهنگ استراتژیک جوامع می‌شوند. پس از تبدیل جامعه ایرانی به نیشن استیت و در طول تاریخ ۲۰۰ ساله این کشور، مدرم ایران به‌طور مداوم با جنگ‌ها، کودتاها و تحریم‌ها تا به امروز دست‌وپنجه نرم کرده و دست به مقاومت زده‌اند. یعنی در این ۲۰۰ سال ما همواره قربانی بوده و هستیم و این باور، باور غالب تمام ایرانی‌ها است. باور دیگر این است که ما همواره در جهان تنها بودیم. ما ایرانی‌ها، این باور را درونی و اینتروجکت کرده‌ایم و هویت تمدنی خود را اینگونه ساخته‌ایم.

در ادامه سخنرانی دکتر آهوئی اذعان کرد به همین دلیل ما ایرانی‌ها در ذهن خود یک تقابل خیر و شر مطلق را درونی

سازی کرده‌ایم که تا پایان تاریخ باید استقلال خود را حفظ کنیم. باور به اندیشه استقلال مطلق باعث می‌شود ما خود را تنها کشور مستقل منطقه بدانیم و دیگر کشورها را فاقد استقلال بدانیم و برای مثال صحبت با کشور عربستان و مذاکره با آن را کاری بیهوده فرض کنیم. برای از بین بردن این تفکر استقلال مطلق ما بایست این چرخه که به‌طور مداوم در حال چرخش است را برهم زنیم و فرهنگ‌ها و استقلال دیگر کشورها را نیز به رسمیت بشناسیم.

پنل سوم؛ ماهیت نظام سیاسی و امنیت منطقه‌ای

پنل سوم این سمینار در ساعت ۱۵:۵۰ آغاز به کار کرد. آقای روح‌الله طالبی آرانی طی ارائه موضوع بنیان‌های امنیتی امتناع تجربی حکمرانی در غرب آسیا اذعان کرد: حکمرانی به یکی از پرکاربردترین مفاهیمی تبدیل شده است که دانش‌پژوهان علوم اجتماعی به لحاظ نظری و تجربی به آن پرداخته‌اند. وی اضافه کرد مفهوم حکمرانی را می‌توان در سه عرصه ردیابی کرد: عرصه سیاست داخلی، سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی؛ در این چهارچوب هر سه مفهوم نظری تناظر تجربی چندانی با وضعیت غرب آسیا نداشته است. ایشان با اشاره به فاصله‌ی این منطقه با وضعیت حکمرانی خوب افزود: منطقه‌گرایی در غرب آسیا فاصله زیادی با معیارهای حکمرانی چند سطحی دارد. وی در ادامه در جهت تلاش برای یافتن علت این وضعیت، بر نقش‌آفرینی ملاحظات امنیتی در این منطقه تأکید کرد و گفت: شکنندگی دولت در کشورهای غرب آسیا مانعی بزرگ بر سر راه حکمرانی خوب به شمار می‌آید؛ منازعه خیزی منطقه‌ای حرکت غرب آسیا در مسیر حکمرانی چند سطحی را متنفی ساخته است؛ و نقش مخرب مداخله فرا منطقه را در غرب آسیا نیز ورود روندهای حکمرانی جهانی به این منطقه را سد کرده است.

خانم فاطمه سلیمانی پورلک در ارائه‌ی موضوع امتناع حکمرانی امنیتی مطلوب در غرب آسیا از منظر فرهنگ راهبردی گفت: حکمرانی مطلوب مفهومی جدید است که اساساً در حوزه‌ی مطالعاتی علوم سیاسی به مسئله‌ی توسعه می‌پردازد همچنین قابل اقتباس در حوزه مطالعاتی روابط بین‌الملل و مشخصاً در حیطه‌ی امنیت پژوهی نیز هست. وی در ادامه افزود: سیر تطور نهادها و قواعد امنیتی در منطقه تابع الگوی مشخصی از حکمرانی امنیتی مطلوب نبوده است و بازتاب آن را می‌توان در گسترش تنش‌ها و بحران‌ها میان بازیگران منطقه مشاهده کرد. وی در این سخنرانی در پی پاسخ به این سؤال اصلی بود که چه مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی در فرهنگ راهبردی بازیگران غرب آسیا وجود دارد که به امتناع الگوی حکمرانی مطلوب در این منطقه می‌انجامد و فرضیه‌ی اصلی در این سخنرانی که مورد واکاوی قرار گرفت این بود که فرهنگ راهبردی غالب در کشورهای منطقه دارای ابعاد سلبی بوده و بر محور وابستگی متقابل امنیتی منفی تعین می‌یابد و این امر به‌نوبه خود امتناع الگوی حکمرانی مطلوب امنیتی را نیز در پی دارد.

آقای محمدتقی دل‌فروز در ادامه و در ارائه‌ی موضوع دولت، اقتصاد و امنیت منطقه غرب آسیا، سه سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای عوامل تأثیرگذار بر امنیت منطقه مشخص کرد و افزود: دولت‌هایی که ساختار ضعیفی دارند از اقتدار کافی برای اعمال حاکمیت مشروع در سرزمینی تحت حاکمیت خود برخوردار نیستند و با بحران‌های داخلی متعددی دست‌وپنجه گرم می‌کنند که سرریز این بحران‌ها به دیگر کشورها و تأثیراتی که در رفتار دیگر بازیگران

منطقه‌ای و جهانی ایجاد می‌کند در بسیاری از موارد به ناامنی منطقه‌ای منجر می‌شود. وی تأکید کرد که دولت‌های ضعیف یا شکست‌خورده، دولت‌های ناامنی هستند و این ناامنی را به دیگر کشورها نیز سرایت می‌دهند. او در ادامه گفت: در دولت‌های نسبتاً قوی سطح ناامنی پایین‌تر است و این دولت‌ها به لحاظ ظرفیت نهادی و نوع رابطه با جامعه از نقاط ضعف کمتری رنج می‌برند و با رقابت بر سر نفوذ بر دیگر کشورها به ناامنی دامن زده‌اند.

رضا نجف زاده در ارائه‌ی موضوع امنیت، سرزمین و جمعیت؛ بحران در حکومت‌مندی جهانی اذعان داشت: مهم‌ترین ویژگی حکومت‌مندی، مطالعه قدرت در فراسوی دولت است، حکومت‌مندی را باید در گستره‌ی امر بین‌المللی و امر جهانی در نظر گرفت، حکومت‌مندی جهانی شده خصوصاً اشاره دارد به زمان حال ما و سیستم چند سطحی قدرت جدید، می‌توان عقلانیت‌ها و برنامه‌های جهانی‌شدن یا حکمرانی جهانی معاصر را عناصری در دل حکمرانی جهانی دانست، حکومت‌مندی جهانی به پرابلماتیک ساختار قانونی، حکمرانی بر فضاها فراتر از دولت‌ها و بین دولت‌ها می‌پردازد. وی در ادامه افزود: در مرحله کنونی ساختار حکومت‌مندی جهانی، شاهد بحران در اداره جمعیت به‌منزله آماج اصلی حکومت‌مندی مدرن است، تاریخ انتقادی حکومت‌مندی جهانی شامل سه حرکت بزرگ و راهبردی بوده است؛ جنبشی که پارامترهای قابت حاکمیت را در پس مسئله انتخاب‌های حکومت برهم زد؛ جنبشی که جمعیت را به‌مثابه یک داده، یک حوزه دخالت و هدف تکنیک‌های حکومت ظاهر کرد و جنبشی که اقتصاد را به‌منزله‌ی حوزه خاص واقعیت و اقتصاد سیاسی را به‌منزله‌ی علم و در حال به‌منزله‌ی تکنیک دخالت حکومت در این حوزه از واقعیت متمایز کرد. نجف زاده در ادامه به طرح ادعاهای اصلی خود پرداخت: ۱. تشدید بحران در این ساختار جهان حکومت‌مندی در دهه اخیر؛ ۲. جنگ رانه‌ی اصلی تشدید بحران در این ساختار ریزومی حکومت‌مندی جهانی است؛ ۳. جنگ باعث شده است که ساختار سرزمینی بخش عمده‌ای از امپراتوری جهانی تکه‌تکه شود و در سطح نیروهای اجتماعی سوژه مندی جدیدی شکل بگیرد ک مرزهای سرزمینی حکومت‌مندی مدرن را در هم بشکند؛ ۴. بحران حکومت‌مندی جهانی در واقع بحران مرجعیت رژیم‌های حقوقی اداره اتباع و ساز کارهای حقوقی حل‌وفصل منازعات است؛ ۵. بحران حکومت‌مندی جهانی بحرانی است تمدنی.

آقای حمیدرضا اکبری به‌عنوان آخرین سخنران سمینار حکمرانی و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا، در ارائه‌ی موضوع انقلاب‌های عربی، بحران در بنیادهای هویتی و معرفتی دولت-ملت‌ها در منطقه غرب آسیا اذعان داشت: نگاهی به نتایج کوتاه‌مدت تحولات غرب آسیا و انقلاب‌های عربی نشان می‌دهد این تحولات نه موجب شکل‌گیری دولت‌های دموکراتیک شده و نه اینکه حکومت‌های اسلامی در منطقه مستقر شده‌اند. وی افزود: به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری این وضع در منطقه غلبه تعارضات و تنازعات هویتی بر تعاملات معرفتی میان کنشگران و کنش‌پذیران درونی بیرونی و فرو ملی‌فراملی بوده است.